



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: اوامر

تاریخ: ۷/آبان/۱۳۹۶

موضوع جزئی: مباحث مقدماتی - واجب نفسی و غیره - تنبیهات -

مصادف با: ۸ صفر ۱۴۳۹

تنبیه سوم: عبادیت طهارات ثلاث - راه حل چهارم

(محقق خراسانی) - پاسخ محقق خراسانی به یک

اشکال و بررسی آن

جلسه: ۱۶

سال نهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در مورد راه حل چهارم که محقق خراسانی آن را در کفایه بیان نمودند؛ یکایک اشکالات پنج گانه را تطبیق کردیم. یعنی با توجه به این راه حل اشکالات پنج گانه مورد بررسی قرار گرفت و نتیجه این شد که هیچ یک از این اشکالات بنابر راه حل محقق خراسانی لاینحل باقی نمی ماند. فقط یک نکته و اشکالی که به محقق خراسانی وارد است که خود ایشان این اشکال را متعرض شده و به آن جواب داده.

پاسخ محقق خراسانی به یک اشکال

اشکال: طبق نظر محقق خراسانی اگر وضو یا غسل یا تیمم به عنوان مقدمه نماز اتیان شود، عبادیت آن ناشی از استحباب نفسی این امور است. یعنی این طهارات فی نفسه مستحب هستند و سپس امر غیره به آن ها متعلق می شود لذا می توانند علی وجه العبادیه اتیان شوند. اشکالی که این جا به وجود می آید این است که شخصی که می خواهد وضو برای نماز بگیرد و فرض نیز این است که زمان زوال دیگر آن امر نفسی کنار می رود و تنها یک امر غیره وجود دارد، یعنی این شخص اگر مورد سوال قرار گیرد که چرا وضو می گیری؟ می گوید: برای این که می خواهم نماز بخوانم و قصد امر غیره به وضو را می کند و عمل با این قصد صحیح است. قصد امر غیره مصحح این وضو است و با این وضو می تواند نماز بخواند. در حالی که ما می دانیم قصد امر غیره عبادیت درست نمی کند.

پس اساس اشکال این است که مصلی قبل از نماز وضو می گیرد و هنگام وضو گرفتن قصد امر غیره می کند و همین قصد امر غیره به تنهایی برای ورود به نماز کافی است. اکتفا به امر غیره مطلبی است که در کلام محقق خراسانی آمده. در حالی که قبلاً گفته ایم که اوامر غیره به تنهایی برای صحت کافی نیستند و ما می دانیم این جا باید وضو عبادیت داشته باشد و به قصد قربت انجام شود در حالی که این جا قصد قربتی وجود ندارد. شما که میگویید وضو نیازی به قصدی غیر از قصد امر غیره ندارد، پس

با قصد قربت چه می کنید؟ قصد امر غیری به تنهایی مقرب نیست این که من قصد کنم وضو بگیریم برای این که نماز بخوانم این خودش مقرب نیست، اگر مقرب بود ما این همه گرفتار مشکل نمی شدیم. همه این راه حل ها را طی می کنیم تا از این مشکل خلاص شویم.

پس اصل اشکال عبارت است از این که از یک طرف حکم به صحت عمل با قصد امر غیری می شود و از طرف دیگر می دانیم صرف قصد امر غیری کفایت نمی کند و باید قصد قربت یا قصد امتثال امر نفسی استحبابی به وضو نیز بشود.

پاسخ محقق خراسانی: محقق خراسانی در مقام پاسخ به اشکال اکتفاء به قصد امر غیری و این که این عمل صرفاً با همین قصد صحیح است، می فرماید: ما به واسطه گری قصد امر غیری، قصد تقرب هم می کنیم. یعنی این امر غیری که قصد می شود به نوعی واسطه می شود و ما را متوجه می کند به آن امر نفسی استحبابی و ما با واسطه قصد آن امر نفسی استحبابی و قصد قربت می کنیم.

کانه ایشان می فرمایند: درست است که این جا مستقیماً قصد قربت نمی توانیم داشته باشیم، اما چون وضو یک امر عبادی است و علی وجه العباده اتیان شود و عبادیتش نیز با یک امر نفسی استحبابی درست شده است (آیه و روایتی وارد شده که وضو را فی نفسه مستحب کرده است) و الان عندالزوال آن امر وجود ندارد و ما نمی توانیم مستقیماً قصد آن امر نفسی استحبابی را کنیم، اما چون با آمدن امر غیری «توضاً للصلوة» رجحان ذاتی وضو از بین نرفته و یک امر استحبابی نفسی داشته، ما به جای این که مستقیماً قصد امر نفسی استحبابی را کنیم با واسطه این کار را می کنیم.

به عبارت دیگر قبل از ظهر وقتی که وضو می گیریم به این دلیل است که ثواب داشته و مقرب است. لذا اگر کسی سوال کند که چرا وضو می گیرید، می گوئیم چون خدا گفته وضو مستحب است و قصد امر نفسی استحبابی خود وضو را می کنیم و مستقیماً قصد قربت محقق می شود، قصد قربت یعنی قصد امتثال امر؛ اینجا قصد قربت وجود دارد زیرا زمانی که قبل از زوال سوال می شود که چرا وضو می گیری پاسخ می دهیم که چون روایت داریم که امام فرموده هر که وضو بگیرد فله کذا، قصد امر نفسی استحبابی قبل از زوال مستقیماً حاصل می شود.

اما بعد از زوال که یک امر غیری آمده و وضو را مقدمتاً للصلوة واجب کرده، این جا اگر کسی سوال کند که چرا وضو می گیری یکی از پاسخ هایی که می توانیم بدهیم این است که چون خدا فرموده برای نماز وضو بگیرید. این می شود قصد امر غیری. قصد امر غیری نیز اگر چه به تنهایی خودش مقرب نیست، اما اگر این قصد امر غیری واسطه شود که بین شما و امر نفسی استحبابی پل ایجاد بشود و به واسطه آن شما قصد استحباب نفسی وضو را کنید تا عبادیت آن درست شود مشکل حل می شود. لذا اگر قصد امر غیری می شود و با این قصد عمل و وضوی ما صحیح است به این خاطر است که آن چه موجب قرب و عبادیت این عمل است وضوی مستحب است و بعد قصد استحباب را می کند چون این امر غیری متعلق شده به وضوی مستحب؛ امر به وضو برای نماز امر به چه چیزی است؟ آیا صرف شستن و دست و صورت است یا شستن با قصد قربت. پس امر به وضو مقدمتاً للصلوة واسطه می شود تا من منتقل شوم به وضویی که رجحان داشته به وضویی که استحباب نفسیش مورد توجه باشد. ایشان از این طریق مشکل اکتفاء به قصد امر غیری و صحیح بودن عمل به این قصد را درست کرده است.

سوال:

پاسخ: اما اگر امر استحبابی نباشد معنایش این نیست که مطلوبیت ذاتی ندارد و اراده و حبی نسبت به آن در مولا نیست. این عمل محبوب مولا است. بخاطر رجحان ذاتی.

اما به خاطر عروض عنوان مقدمیت یک امر غیر روی طهارتی که قبلا عبادیتش ثابت شده گذاشته. و با آمدن امر غیر خللی در عبادیت آن ایجاد نمی شود. حال اگر امر نفسی آن از بین برود آیا معنایش این است که عبادیت و مقریبت آن از بین می رود. فرض این است که این عبادت از ظهر به بعد دیگر آن امر نفسی را ندارد، اگر کسی برای نماز بخواهد وضو بگیرد قطعاً قصد امر غیر را می کند یعنی می گوید چون خدا گفته تواللصلوه من وضو می گیرم؛ اما سوالی که پیش می آید این است که پس قصد قربت کجاست؟ زیرا قصد قربت از امر غیر به دست نمی آید. لذا وقتی قصد امر غیر می شود می گوئیم این واسطه می شود برای قصد آن امر نفسی. شما می گوئید الان دیگر امر نفسی وجود ندارد، این درست است که امر نفسی الان وجود ندارد ولی می تواند از طریق امر غیر متعلق به چیزی که عبادیتش قبلاً ثابت شده منتقل شود به خود عبادت یعنی بواسطه خود امر غیر قصد کند امر نفسی و عبادیت آن را.

بله اراده ای که در پس استحباب نفسی بود اراده لزومیه نبود و با اراده موجود در پس امر غیر که یک اراده قوی تر است ادغام شدند و یک اراده قوی و موکده را تشکیل دادند. لذا اجتماع مثلین پیش نمی آید زیرا دو حکم نیست و دو اراده نیز برای یک امر نیست زیرا دو اراده در هم ادغام و اندکاک پیدا کرده اند و یک اراده موکده شده اند.

نمونه این بحث را در موارد دیگر داریم مثل نذر انجام عمل مستحب (طبق نظر مشهور) مثلاً شخصی نذر می کند که نماز شب بخواند که یک عمل مستحب است و با نذر واجب می شود آیا این یعنی نماز شب دو حکم دارد یعنی در عین حالی که مستحب است واجب هم می باشد؟ آیا قابل تصور است؟ در جواب این مشکل گفته اند که تأکیدی از ادغام دو اراده بوجود می آید. یکی اراده ضعیف تر و یکی اراده قوی تر.

سوال:

پاسخ: آن امر نفسی بخاطر مشکل صوری نمی توانست باقی باشد. ولی مطلوبیت و رجحان آن از بین نرفته است. می دانیم که این عمل محبوب مولا است و به علت وجود محذور نتوانسته به زبان بیاورد. اگر محذوری در مقام اظهار حکم، در یک فرض و در یک شرایط خاصی باشد و ما می دانیم این یک مطلوبیت مطلقه دارد دیگر این رجحان از بین نمی رود و باقی می ماند.

سوال:

پاسخ: در واجبات غیریه ما اصلاً نمی توانیم ثواب را فرض کنیم. شما میگوئید طهارات ثلاث ممکن است که ثواب نداشته باشد در حالی که وجود این ثواب اجماعی است. از یک طرف ما با یک مطلب مسلم مواجهیم که این ها ثواب دارند و این مسلم است. حال مشکل این است که وضو با این که یک واجب غیر است بر خلاف واجبات غیر ثواب مستقل به آن داده می شود.

سوال:

جواب: صورت امر نفسی بخاطر محذوری که وجود دارد نمی تواند باقی باشد اما اراده ای که پشت سر این بوده باقی است و مندک در این اراده شده است.

خیلی از اوقات اراده است ولی شارع نمی تواند آن را بیان کند. مانند قانون گذارهای عرفی که می دانیم چیزی مد نظر قانون گذار بوده ولی به علت محذوراتی آن را بیان نکرده است.

پس محقق خراسانی می فرماید: اگر حکم به اکتفاء قصد امر غیري و صحت این عمل با این قصد می شود، به این جهت است که قصد امر غیري در واقع واسطه آن قصد قربت می شود تا انسان قصد قربت کند یعنی قصد امتثال و برآورده شدن خواسته قلبی مولا را که الان محذور دارد از اظهار کردن آن. آن مطلوبیت و رجحان باقی است و ما اینگونه قصد تقرب می کنیم

اشکال محقق اصفهانی به محقق خراسانی

امر نفسی استحبابی یا آن جهت رجحان نفسی و ذاتی از دو حال خارج نیست.

۱. در مقام عمل مکلف به آن توجه دارد.

۲. در مقام عمل از آن غافل است.

یعنی زمانی که مکلف وضو می گیرد برای نماز از دو حال خارج نیست یا توجه دارد این وضو فی نفسه رجحان دارد یا توجه ندارد و تمام حواسش به این است که این مقدمه نماز است یعنی یا به وضو و رجحانش فی نفسه فکر می کند و یا اصلاً به آن فکر نمی کند و تمام توجه اش به این است که وضو مقدمه نماز است.

اگر توجه به آن داشته باشد که این وضو فی نفسه رجحان دارد پس آن چه که داعی او به انجام عمل شده خود آن رجحان ذاتی وضو است نه امر غیري. یعنی به مقدمیت وضو برای نماز توجه ندارد و دیگر نیازی به وساطت امر غیري ندارد. پس این جا امر غیري بی خاصیت است اگر هم وضو می گیرد و اساساً به آن جنبه رجحان ذاتی وضو توجه ندارد و تمام توجه اش به این است که وضو یک امر غیري و مقدمی برای نماز پیدا کرده است اساساً قصد به آن رجحان ذاتی برایش حاصل نشده و عبادیت برای او محقق نشده است. زیرا عبادیت این نماز به این است که وضو به قصد امر نفسی اتیان شود.

خلاصه اشکال: امر نفسی استحبابی یا جهت رجحان نفسی یا در حین عمل التفات به آن است یا خیر. اگر توجه داشته باشیم؛ دیگر نیازی به وساطت امر غیري نیست و اگر هم از آن غافل باشیم عبادیت محقق نمی شود زیرا فرض این است که با امر غیري نماز را خوانده ام.

«الحمد لله رب العالمین»